**٥٧ - حقائق غير محسوسه در عالم وجود هستند و بغير طريق حسّ درک ميشوند**

و نيز در خطابه حضرت عبدالبهاء در کلوب طبيعيين سانفرانسيسکو است. قوله المبين: "پس معلوم شد کمالاتی در انسان هست که در طبيعت نيست و اگر بگوئيم که حقيقت عقليّه انسان از عالم طبيعت است مثل آن است که بگوئيم جزء کمالاتی را دارا هست که کلّ محروم از آن است. آيا ممکن است که قطره حالاتی داشته باشد که دريا نداشته باشد؟ ممکن است که برگ کمالاتی داشته باشد که درخت نداشته باشد؟ پس واضح و مشهود شد که عقل انسانی قوّه ديگر است، شعله ديگر است، عالم ديگر است، نظير قوای حيوانی نيست. ولکن استغراب در اين است که با وجود اينکه در انسان همچنين قوّه عظيمه هست که کاشف حقائق اشياء است حقائق معقوله را کشف مينمايد مثل اينکه علم را کشف ميکند با وجود اينکه حقيقت محسوسه نيست اين واضح است که حقيقت معقوله است نفس عقل حقيقت معقوله است با وجود اين بعضی از پروفسورها و فلاسفه ميگويند که ما بنهايت دانائی و درجه فضل رسيده‏ايم، ما تحصيل علوم و فنون کرده‏ايم، ما بمنتهی درجه کمالات عالم انسانی رسيده‏ايم، ما بحقيقت آن حقايق پی‏برده‏ايم، ما باسرار وجود پی‏برده‏ايم، ماهيّت جميع اشياء کونيه را فهميده‏ايم، چيز ديگر غير از محسوس هيچ چيزی نيست همين محسوس حقيقت است آنچه غير محسوس است مجاز است و وهم و لائق فکر و ذکر نه. عجب است که انسان بيست سال زحمت ميکشد در مدارس تحصيل ميکند تا باين مقام ميرسد که منکر غير محسوسات ميگردد ولی حيوان بدون زحمت. گاو بدون تحصيل منکر جميع معقولات است بل گاو فيلسوف طبيعی است زيرا هيچ چيز غير از محسوسات نميداند و اعظم فيلسوف است. لهذا خوب است چنين فلاسفه طبيعی بروند نزد حضرت گاو و فلاسفه محسوسات از گاو ياد گيرند و از مدرسه فارغ التحصيل شوند."